



کتاب تصویری توحید مفضل در اثبات وجود خدا

توحید المفضل (کتاب الکل) به همراه متن عربی

ترجمه و مصور سازی: کانال اثبات خدا، دین و مذهب خردمندان



صاحب امتیاز این اثر «@esbatekhodavand»

اجازه نشر و چاپ آن را به عموم می دهد.

این اثر درنشانی زیر نا تکمیل تمام کتاب مرتب بروز رسانی می شود و قابل دریافت رایگان است:

<https://esbatekhodavand.blog.ir/post/6>

[@esbatekhodavand](https://esbatekhodavand)

مقدمه

ماجرایی که باعث شد امام صادق علیه السلام چهار جلسه آموزشی در موضوع «اثبات وجود خدا» برگزار نماید.^۱

مفضل (خود در این خصوص توضیح می دهد):^۲

پایان روز بود و من در مکانی به نام روضه (بهشت)،^۳ بین مزار سیدمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و محلی که ایشان در آنجا منبر می رفتند و برای مردم سخنرانی می کردند، نشسته بودم^۴



داشتیم درباره شرافت و فضائلی که خداوند به صورت اختصاصی به حضرت صلی الله علیه و آله و سلم عطا فرموده است فکر می کردم؛ جایگاه بلندی که حتی اکثر امت او صلی الله علیه و آله و سلم نیز اطلاعی از آن ندارند و نسبت به مرتبه عظیم و خطیری که خداوند به وی بخشیده است جاهل اند!

۱- [مقدمه الکتاب] کلام ابن ابي العوجاء مع صاحبه

۲- رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ سَنَانَ قَالَ حَدَّثَنِي الْمُفَضَّلُ بْنُ عَمْرِو قَالَ

۳- قسمتی از مسجد النبی که در ناحیه جنوب شرقی (رو به سوی قبله) مسجد قرار دارد و حد فاصل میان منبر و مرقد پیامبر (ص) است، به نام «روضه مطهره» و «روضه شریفه» شناخته می شود. بنابر روایات، این قسمت فضیلت بسیاری دارد و در حدیث رسول خدا (ص) روضه ای بهشتی معرفی شده است: «مَآئِنَ بَيْتِي وَ مَنِيرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ؛ مِیَانِ خَانِه و منبر من، باغی است از باغهای بهشت کامل الزیارات، ص ۱۶؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۳۳۴؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۳۸۹؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۲۶۰

۴- كُنْتُ ذَاتَ يَوْمٍ بَعْدَ الْعَصْرِ جَالِسًا فِي الرُّوْضَةِ بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمِنْبَرِ

مقدمه: ماجرایی جالبی که سبب تشکیل ۴ جلد آموزشی اثبات وجود خدا، توسط امام صادق (ع) شد.

در همین فکر بودم که ابن ابی العوجاء (که از ملحدان مشهور زمان خود و به اصلاح امروز از سرشناسان آتئیست و ندانم گراها بود) وارد شد و در محلی نشست که می توانستم حرف هایش را بشنوم؛ چیزی نگذشت که مردی از رفقاییش نیز آمد و کنار او نشست.^۱

ابن ابی العوجاء شروع به حرف زدن کرد و (با اشاره به مزار پیامبر اسلام (ص)) گفت: بی شک صاحب این قبر (ص) در تمام حالاتی که داشت، به نهایت درجه کمال، شرافت و عظمت دست یافته بود.^۲

رفیقش (در تکمیل و تصدیق این سخنان) گفت: او (ص) فیلسوفی بود که ادعای مرتبه و منزلتی بسیار عظیم و بزرگ نمود و برای اثبات آن نیز معجزاتی آورد که همه عقل ها و فهم ها را مغلوب و حیران کرد؛



وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

And if you are in doubt as to that which We have revealed to Our servant then produce a chapter like it and call on your witnesses besides Allah if you are truthful

و اگر درباره آنچه بر بنده خود ایامبر ما نازل کرده ایم شک دارید، فقط یک سوره همانند او بیاورید؛
و گویا که خود را - غیر خدا - بپوشانید و فراموش کنید که راست می گویید

قرآن بقره ۲۳ QURAN, AL-BAQARA 23

۱- قَائِلِي لَكَ ذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ ابْنُ أَبِي الْعَوْجَاءِ فَجَلَسَ بِحَيْثُ أَسْمَعُ كَلَامَهُ فَلَمَّا اسْتَقَرَّ بِهِ الْمَجْلِسُ إِذْ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ قَدْ جَاءَ فَجَلَسَ إِلَيْهِ
۲- فَتَكَلَّمَ ابْنُ أَبِي الْعَوْجَاءِ فَقَالَ لَقَدْ بَلَغَ صَاحِبُ هَذَا الْقَبْرِ الْعِزَّ بِكَمَالِهِ وَحَازَ الشَّرَفَ بِجَمِيعِ خِصَالِهِ وَتَالَ الْحُظُوءَةَ فِي كُلِّ أَحْوَالِهِ

به طوری که خردپیشگان برای درک حقیقت آن، در دریای خروشان اندیشه فرو رفتند اما در نهایت سرگشته و ناکام و دست خالی (از رسیدن به عمق آن و یافتن ایراد خردمندانه) بازگشتند؛ اینجا بود که اندیشمندان، فصیحان و خطیبان (به حقانیت ادعای او پی بردند و) دعوتش را با جان و دل پذیرفتند و مردم دیگر نیز گروه گروه به دین او درآمدند به طوری که نام وی پیروان الله با نام خداوند در کنار هم قرار گرفت (و روزانه پنج بار در اذان) این فریاد از ماذنه عبادتگاهها و هرجایی که دعوت و حجت الهی او پیروان الله به آنجا رسیده بود از دشت و صحرا و کوه و دریا، به هوا برخاست و همین باعث شده است که یادش تازه بماند و رسالتش به سمت خاموشی (و فراموشی) نرود.^۱

۱- فَقَالَ لَهُ صَاحِبُهُ إِنَّهُ كَانَ فَيَلْسُوفًا ادَّعَى الْمُرْتَبَةَ الْعَظِيمَى وَالْمَنْزِلَةَ الْكُبْرَى وَاتَّقَى عَلَى ذَلِكَ مُعْجَزَاتٍ بَهَرَتْ الْعُقُولَ وَصَلَّتْ فِيهَا الْأَحْلَامُ وَغَاصَتْ الْأَلْبَابُ عَلَى طَلَبِ عِلْمِهَا فِي بَحَارِ الْفِكْرِ فَرَجَعَتْ خَاسِرَاتٍ وَهِيَ حَسْرٌ قَلْبًا اسْتَجَابَ لِدَعْوَتِهِ الْعُقَلَاءُ وَالْفَصَحَاءُ وَالْخُطَبَاءُ دَخَلَ النَّاسُ فِي دِينِهِ أَفْوَاجًا فَقَرَنَ اسْمُهُ بِاسْمِ نَامُوسِهِ فَصَارَ يَهْتَفُ بِهِ عَلَى رُءُوسِ الصَّوَامِعِ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ وَالْمَوَاضِعِ الَّتِي انْتَهَتْ إِلَيْهَا دَعْوَتُهُ وَعَلَتْهَا كَلِمَتُهُ وَظَهَرَتْ فِيهَا حُجَّتُهُ بَرًّا وَبَحْرًا سَهْلًا وَجَبَلًا فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ مُرَدَّدًا فِي الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ لِيَتَجَدَّدَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ ذِكْرُهُ وَلَيْلًا يُحْمَلُ أَمْرُهُ

مقدمه: ماجرایی جالبی که سبب تشکیل ۴ جلسه آموزشی اثبات وجود خدا، توسط امام صادق علیه السلام شد.

ابن ابی العوجاء گفت: سخن از محمد صلی الله علیه و آله را رها کن که تردید ندارم عقل من نسبت به این مرد متحیر و فکرم در کار او حیران و سرگردان شده است؛ بیا و درباره اصلی که او بر آن اساس حرکت نمود سخن بگو (که سبب اقبال خردمندان و اندیشمندان جهان به وی گردیده است)^۱

سپس در اینکه جهان مادی در ابتدا چگونه آغاز شده است به سخن پرداخت و گمان‌ها و حدس‌های بی‌اساس خود را به‌جایی رساند که گفت: جهان، رها و ول است و هیچ‌کس آن را نساخته و هیچ تقدیر (و اندازه‌گیری توسط هیچ طراحی هوشمندی) صورت نپذیرفته است و اصلاً سازنده و مدیر و مدبری (برای موجودات) وجود ندارد، بلکه همه‌چیز خود به خودی و بی‌تدبیر (و بدون هیچ اداره‌کننده‌ای) است، بنابراین دنیا همیشه همین‌گونه بوده و همین‌گونه نیز خواهد بود!^۲

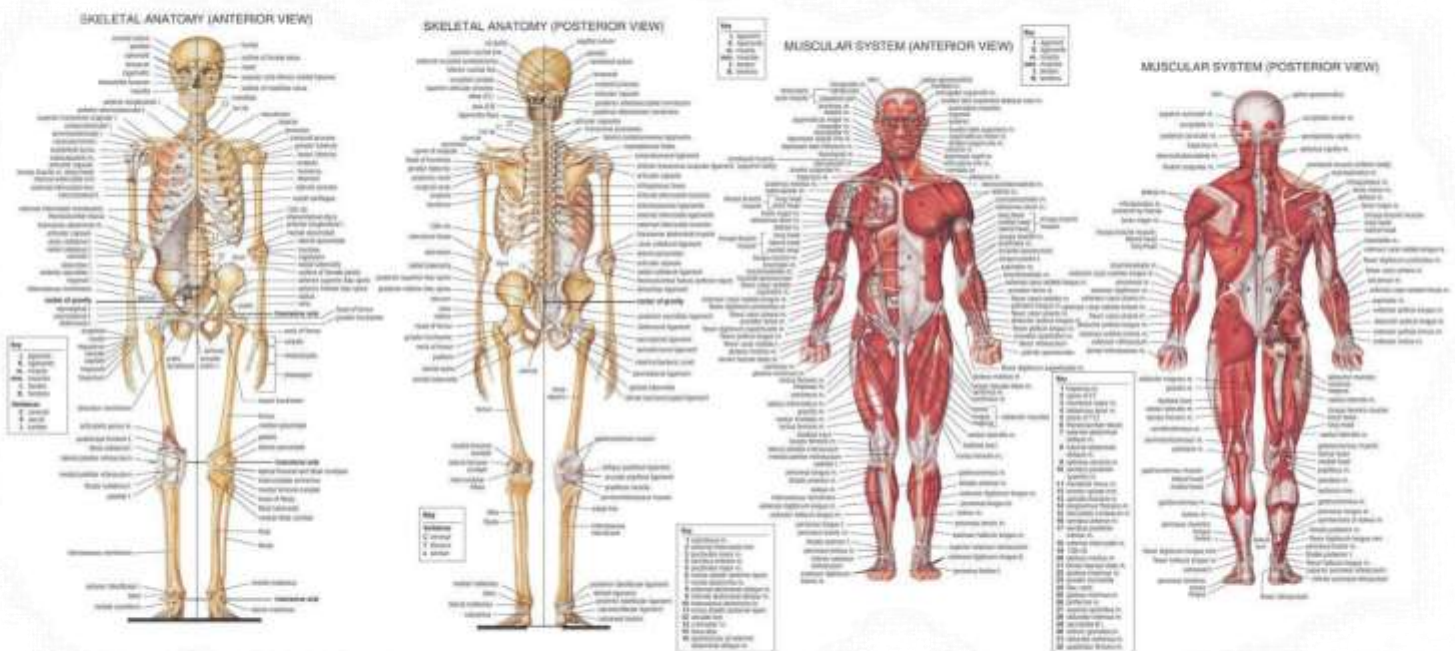


(با شنیدن این سخنان بی‌اساس و غیرخردمندانه، دیگر) نتوانستم خودم را از غضب و غیظ و خشم زیاد، نگه‌دارم (خصوصاً که این دو نفر در ابتدا به جایگاه رفیع فرستاده خدا صلی الله علیه و آله و عجز خویش اقرار نموده بودند اما با این حال راه کفر و حق پوشی را در پیش گرفتند؛ بنابراین) گفتم:

۱- فَقَالَ ابْنُ أَبِي الْعَوْجَاءِ دَعَا ذَكَرَ مُحَمَّدٍ ص فَقَدْ تَحَيَّرَ فِيهِ عَقْلِي وَ صَلَّيْتُ فِي أَمْرِهِ فِكْرِي وَ حَدَّثْتَنِي فِي ذِكْرِ الْأَصْلِ الَّذِي مَشِي لَهُ
 ۲- ثُمَّ ذَكَرَ ابْتِدَاءَ الْأَشْيَاءِ وَ زَعَمَ أَنَّ ذَلِكَ بِإِهْمَالٍ لَا صُنْعَ فِيهِ وَ لَا تَقْدِيرَ وَ لَا صَانِعَ وَ لَا مُدَبِّرَ بَلِ الْأَشْيَاءُ تَتَكَوَّنُ مِنْ ذَاتِهَا بِلَا مُدَبِّرٍ وَ عَلَى هَذَا كَانَتْ الدُّنْيَا لَمْ تَزَلْ وَ لَا تَزَالْ

ای دشمن خدا! در دین خدا ملحد شدی (و از حقیقت به سمت اوهام و باطل منحرف گردیدی) و آفریننده‌ای که تو را به نیکوترین حالت و کامل‌ترین صورت خلق نموده و با طی حالات مختلف (از نطفه تا بلوغ) به این حد رسانیده است را انکار می‌کنی؟!

اگر در خودت خوب اندیشه کنی و به حس صادق و لطیفت مراجعه نمایی، بدون اندک تردیدی، دلیلی که اثبات می‌کند خدا، پروردگار (همه موجودات) است و آثاری که نشان می‌دهد تو ساخته‌شده او هستی را در خودت پابرجا و استوار می‌یافتی، خدای باشکوه و پاکی که نشانه‌های او در خلقت تو واضح و آشکار است و دلایل و آثار غیرقابل انکار او بر تو ظاهر است.^۱



وی (که متوجه ناراحتی من شده بود ترجیح داد به‌جای پاسخ و ورود به گفتگوی خردمندانه، راه انتقاد را در پیش گیرد و) گفت:

۱- قَالَ الْمُفَضَّلُ قَلِمُ أَمْلِكُ نَفْسِي غَضَبًا وَ غَيْظًا وَ حَنَقًا فَقُلْتُ يَا عَدُوَّ اللَّهِ أَلْحَدْتُ فِي دِينِ اللَّهِ وَ أَتُكْرِتُ الْبَارِيَّ جَلَّ فَدُسُّهُ الَّذِي خَلَقَكَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ وَ صَوَّرَكَ فِي أَتْمِ صُورَةٍ وَ نَقَلَكَ فِي أَحْوَالٍ حَتَّى بَلَغَ إِلَى حَيْثُ انْتَهَيْتَ فَلَوْ تَفَكَّرْتَ فِي نَفْسِكَ وَ صَدَقَكَ ۱ لَطِيفٌ حِسِّكَ لَوَجَدْتَ دَلَالَاتِ الرَّبُّوبِيَّةِ وَ آثَارَ الصَّنْعَةِ فِيكَ قَائِمَةً وَ شَوَاهِدَهُ جَلَّ وَ تَقَدَّسَ فِي خَلْقِكَ وَاضِحَةً وَ بَرَاهِينَهُ لَكَ لَا حِجَّةَ

مقدمه: ماجرایی جالبی که سبب تشکیل ۴ جلسه آموزشی اثبات وجود خدا، توسط امام صادق علیه السلام شد.

ای مرد! اگر تو از گروه متکلمانی^۱ با تو وارد سخن می شویم و اگر دیدیم حق با توست و توانستی حجت را تمام کنی از تو پیروی خواهیم کرد اما اگر از آن ها نیستی پس حق سخن گفتن نداری!^۲

اما اگر از اصحاب (و همراهان) جعفر بن محمد صادقی علیه السلام^۳ (تو بهتر از ما از اخلاق و شرح صدر بالای او نسبت به همه مردم از کودک یتیم تا افراد نادان اطلاع داری



و می دانی که) وی علیه السلام این طور مانند تو با ما تند حرف نمی زند و به این شیوه که تو می خواهی راهنمایی مان کنی و برایمان دلیل بیاوری با ما جدال نمی کند.

۱- متکلمان دارای علم کلام یا کلام شناسی هستند؛ دانشی است که به بحث پیرامون اصول اعتقادی و جهان بینی دینی بر مبنای استدلال عقلی و نقلی می پردازد و به شبهه هایی که در این زمینه مطرح می شود، پاسخ می دهد.

۲- فَقَالَ يَا هَذَا إِنْ كُنْتَ مِنْ أَهْلِ الْكَلَامِ كَلِّمْنَاكَ فَإِنْ ثَبَتَتْ لَكَ حُجَّةٌ تَبِعْنَاكَ وَإِنْ لَمْ تَكُنْ مِنْهُمْ فَلَا كَلَامَ لَكَ

۳- حضرت جعفر صادق (ع) امام ششم شیعیان ۱۲ امامی است که نزد تمام مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت مورد احترام ویژه می باشد؛ شیعه، یکی مذاهب اسلامی در میان مسلمانان است.

او علیه السلام بی تردید بیشتر از آنچه تو شنیدی مکرر از ما شنیده است اما هیچ وقت ندیدیم که در خطاب به ما فحش و ناسزا به زبان بیاورد^۱ و در جواب زیاده روی کند و حقوق ما را زیر پا نهد^۲ بلکه او همواره در سخنان خود، تحملی خردمندانه از خود نشان می دهد، باوقار، عاقل و متین است و هر زمان با نظری احمقانه و از سر کم عقلی و سبک مغزی مواجه شود یا با سخنی که در نادانی و حماقت شتاب گرفته است روبرو گردد، این نوع سخنان او را از جا به در نمی برد^۳ بلکه ابتدا نیک به سخنان ما گوش داده و به ما رو نشان می دهد، سپس حجت و دلیل ما را شناسایی می کند و ما نیز (که چنین اقبالی را از وی می بینیم) هر چه دلیل نزد خود داریم را رو می کنیم و به همین جهت هنگامی که سخنان ما تمام می شود خیال می کنیم او را محکوم نموده ایم (و بر او چیره گشته ایم) و حجتمان را بر او تمام کرده ایم اما به ناگاه وی با کلامی آسان (و روشن) و کوتاه، حجت های ما را باطل می کند و ما را تسلیم دلیل و حجت خود می نماید و عذرمان را از بین می برد به گونه ای که نمی توانیم جوابش را رد کنیم؛ حال اگر از یاران او بی، تو نیز با ما چون او سخن بگو!^۴

مفضل می گوید: در حالی که محزون و غمگین بودم از مسجد خارج شدم و در این اندیشه بودم که چطور اسلام و کسانی که نسبتی با آن دارند، مبتلا به کفر و حقیقت پوشی این جماعت (منکر خدا) شده اند تا جایی که آثار (خلقت که مقابل چشم همگان است) و صفات پروردگار را به کلی انکار می کنند (و در دل افراد کم اطلاع شبهه می اندازند). در همین افکار بودم که به نزد سرور و مولایم علیه السلام رسیدم.



۱- همان طور که روشن است، در سخنان مفضل هیچ گونه فحش و ناسزا وجود نداشت.

۲- وَ إِن كُنْتُ مِنْ أَصْحَابِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ فَمَا هَكَذَا تُخَاطِبُنَا وَ لَا يُمِثِّلُ دَلِيلَكَ تُجَادِلُ فِينَا وَ لَقَدْ سَمِعَ مِنْ كَلَامِنَا أَكْثَرَ مِمَّا سَمِعْتَ فَمَا أَفْحَشَ فِي خِطَابِنَا وَ لَا تَعْدَى فِي جَوَابِنَا

۳- وَ إِنَّهُ الْحَلِيمُ الرَّزِيقُ الْعَاقِلُ الرَّصِينُ لَا يَعْتَرِيهِ خُرْقٌ وَ لَا طَيْشٌ وَ لَا نَزَقٌ

۴- يَسْمَعُ كَلَامَنَا وَ يَصْغِي إِلَيْنَا وَ يَتَعَرَّفُ حُجَّتَنَا حَتَّى إِذَا اسْتَفْرَغْنَا مَا عِنْدَنَا وَ ظَنَّنَا أَنَّا قَطَعْنَا دَحْصَ حُجَّتِنَا بِكَلَامِ نَبِيِّهِ وَ خِطَابِ قَصِيرٍ يُلْزِمُنَا بِهِ الْحُجَّةَ وَ يَقْطَعُ الْعُذْرَ وَ لَا تَسْتَطِيعُ لِجَوَابِهِ رَدًّا فَإِنْ كُنْتُ مِنْ أَصْحَابِهِ فَخَاطِبُنَا يُمِثِّلُ خِطَابَهُ

مقدمه: ماجرایی جالبی که سبب تشکیل ۴ جلسه آموزشی اثبات وجود خدا، توسط امام صادق (ع) شد.

امام (ع) چون مرا شکسته و نگران دید پرسید: چه اتفاقی برایت افتاده است؟^۱



منشأ معنی: شاکر امام صادق (ع)

من نیز آنچه را از این دو دهری (که معتقدند جهان از اول بوده و تا ابد هم خواهد بود) شنیده بودم و پاسخی که در رد ادعاهایشان بیان کردم را به وی (ع) خبر دادم.

امام (ع) وقتی سخنان مرا شنید گفت: ای مفضل، (نگران نباش) به زودی حکمت و فرزاندگی آفریننده جهان در خلق عالم، درندگان، حیوانات، پرندگان، حشرات، چهارپایان دارای روح (مانند شتر، گاو و گوسفند)، درختان میوه‌دار و غیر میوه‌دار، سبزی‌های خوردنی و غیر خوردنی را به تو خواهم آموخت آن‌چنان که انسان‌های آزاده که اهل عبرت گرفتن (از حقایق) هستند از آنچه که تو را با آن روبرو خواهم کرد عبرت بگیرند و مؤمنان (خدا‌باور) با شناخت این معارف (به کلی از شبهات رها شده و) آرام بگیرند و ملحدان (منکر خدا) نیز در آنچه به تو آموزش خواهم داد متحیر و سرگردان شوند.

بدین منظور، فردا اول صبح نزد من بیا.^۲

۱- قَالَ الْمُفَضَّلُ فَخَرَجْتُ مِنَ الْمَسْجِدِ مَحْزُونًا مُفَكِّرًا فِيمَا بَلَّيَ بِهِ الْإِسْلَامَ وَأَهْلُهُ مِنْ كُفْرِ هَذِهِ الْعَصَابَةِ وَتَعْطِيلِهَا^۱ فَدَخَلْتُ عَلَى مَوْلَايَ عِزِّ قَرَانِي مُنْكَسِرًا فَقَالَ مَا لَكَ فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا سَمِعْتُ مِنَ الذَّهْرِيِّينَ وَبِمَا رَدَدْتُ عَلَيْهِمَا

۲- فَقَالَ يَا مُفَضَّلُ لَأَلْقِيَنَّ عَلَيْكَ مِنْ حِكْمَةِ الْبَارِي جَلَّ وَعَلَا وَتَقْدَسَ اسْمُهُ فِي خَلْقِ الْعَالَمِ وَالسَّبَّاعِ وَالْبَهَائِمِ وَالطَّيْرِ وَالْهَوَامِّ وَكُلِّ ذِي رُوحٍ مِنَ الْأَنْعَامِ وَالنَّبَاتِ وَالشَّجَرَةِ الْمُثْمِرَةِ وَغَيْرِ ذَاتِ الثَّمَرِ وَالْحَبِّ وَبِوَيْهِ الْبُقُولِ الْمَأْكُولِ مِنْ ذَلِكَ وَغَيْرِ الْمَأْكُولِ مَا يَعْتَبَرُ بِهِ الْمُعْتَبِرُونَ وَيَسْكُنُ إِلَى مَعْرِفَتِهِ الْمُؤْمِنُونَ وَيَتَحَيَّرُ فِيهِ الْمُلْحِدُونَ قَبَّرَ عَلَيَّ عَدًّا

مفضل گفت: من نیز شاد و مسرور از نزد حضرت علیه السلام برگشتم و آن چنان در فرا رسیدن بامداد و برگزاری جلسه‌ای که امام به من وعده داده بود لحظه‌شماری می‌کردم و انتظار می‌کشیدم که آن شب برایم طولانی گذشت.^۱



۱- قَالَ الْمُفَضَّلُ فَأَنْصَرَفْتُ مِنْ عِنْدِهِ هِ قَرِحًا مَسْرُورًا وَ طَائِلًا عَلَيَّ تِلْكَ اللَّيْلَةُ أَنْتَظَرًا لِمَا وَعَدَنِي بِهِ

جلسه روز اول، قسمت ۱

چه عاملی سبب انکار وجود خدا و حقایق بدیهی می‌شود؟

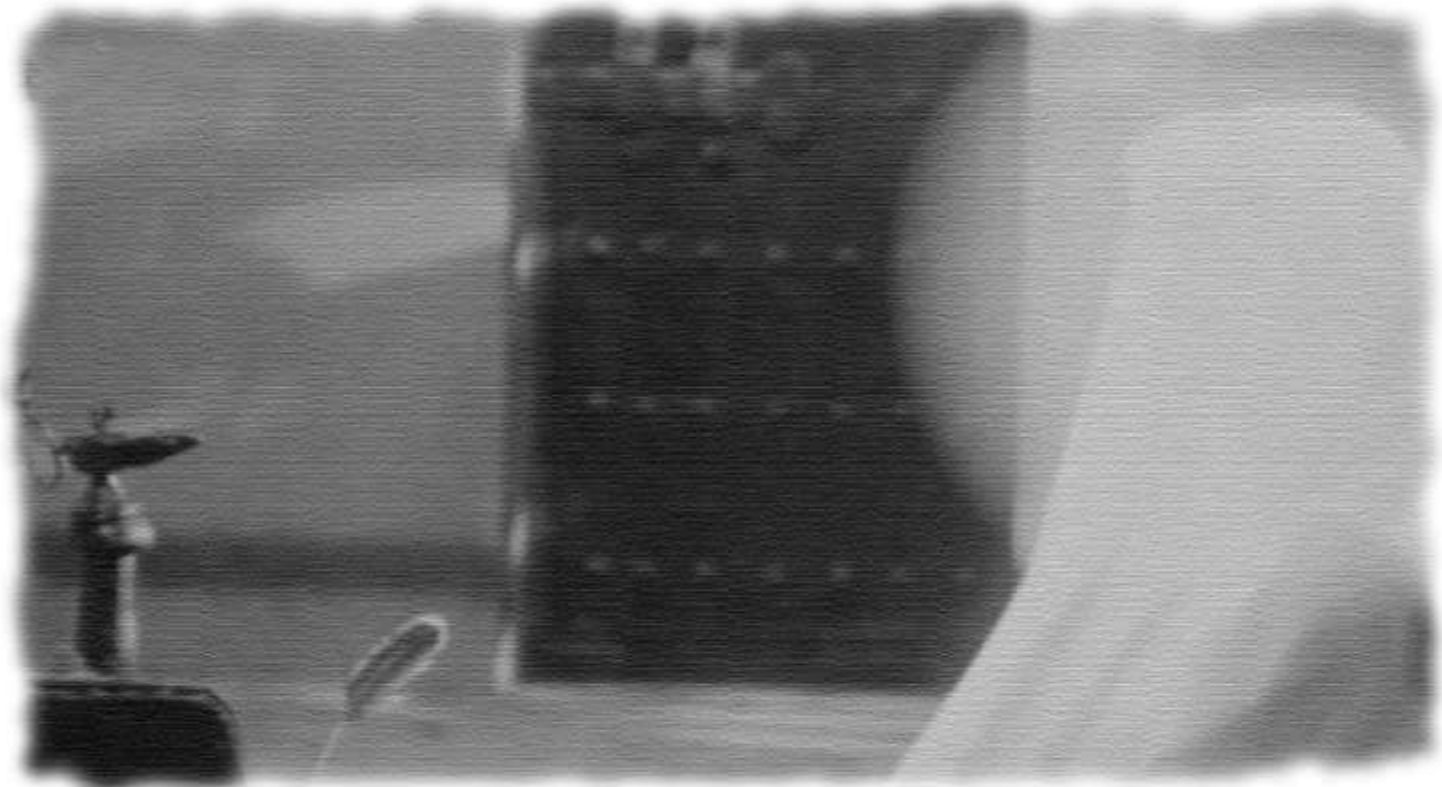
صبح شد و من قبل از طلوع آفتاب به منزل امام علیه السلام رفتم و با اجازه وارد شدم و در حضور ایشان ایستادم.



امام وارد اتاق دیگری شد که کسی در آنجا حضور نداشت و از من خواست که دنبال وی برم؛ من نیز پشت سر ایشان وارد شدم.



حضرت نشست و من نیز روبروی ایشان نشستم (و این گونه بود که اولین جلسه درسِ اثبات وجود خدا تشکیل شد).^۱



(قبل از شروع سخن اصلی)، امام از من پرسید: ای مفضل، گویا دیشب -در انتظارِ وعده‌ای که دیروز به تو دادم- برایت طولانی گذشت؟

عرض کردم: بله همین‌طور است مولای من.^۲

اینجا بود که امام سخن خود را این‌گونه آغاز نمود:

شناخت خداوندی که فراماده است در یک عبارت کوتاه

ای مفضل! به‌درستی که خداوند وجود داشت و قبل از او هیچ چیزی وجود نداشت و او بعد از این نیز همیشه باقی خواهد بود و خداوند (برعکس مخلوقاتش که ماده و محدودند) نهایت و پایانی ندارد.

۱- فَلَمَّا أَصْبَحْتُ غَدَوْتُ فَاسْتَوْدَنْ لِي فَدَخَلْتُ وَ قُمْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَأَمَرَنِي بِالْجُلُوسِ فَجَلَسْتُ ثُمَّ نَهَضَ إِلَى حُجْرَةٍ كَانَ يَخُطُّ فِيهَا وَ نَهَضْتُ بِنَهْوَضِهِ فَقَالَ اتَّبِعْنِي فَتَبِعْتُهُ فَدَخَلَ وَ دَخَلْتُ خَلْفَهُ فَجَلَسَ وَ جَلَسْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ

۲- فَقَالَ يَا مُفَضَّلُ كَأَنِّي بِكَ وَ قَدْ طَالَتْ عَلَيْكَ هَذِهِ اللَّيْلَةُ أَنْتَظَرُ لِمَا وَعَدْتَك فَقُلْتُ أَجَلُ يَا مَوْلَايَ

جلسه روز اول، قسمت ۱: چه عاملی سبب انکار وجود خدا و حقایق آشکار می شود؟

تأکید امام در اینکه تعالیم ایشان همه از جانب آفریدگار جهان است.

تنها خداوند شایسته حمد و ستایش است که به ما (خاندان رسالت علیهم السلام حقایق را) الهام نمود بنابراین به خاطر آنچه خداوند به ما عطا کرده است، فقط باید از خود او تشکر نمود.

خداوند بی تردید از علوم، برترین آن را در حد اعلا به ما اختصاص داده است و از والاترین امور، شریف ترین آن را به ما بخشیده است و با علم خویش (که به همه چیز احاطه دارد) ما را از میان تمام مخلوقاتش انتخاب نموده است و بر اساس حکمت و فرزانیگی خویش، ما را شاهد، حافظ و پناه ایشان قرار داده است.^۱



۱- فَقَالَ يَا مُفَضَّلُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَانَ وَلَا شَيْءَ قَبْلَهُ وَهُوَ بَاقِي وَلَا نِهَايَةَ لَهُ فَلَهُ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَلْهَمَنَا وَ الشُّكْرُ عَلَى مَا مَنَحَنَا فَقَدْ خَصَّنَا مِنَ الْعُلُومِ بِأَعْلَاهَا وَمِنَ الْمَعَالِي بِأَسْنَاهَا وَ اصْطَفَانَا عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ بِعِلْمِهِ وَ جَعَلَنَا مَهْمِينَ عَلَيْهِمْ بِحِكْمِهِ

من که تعدادی لوازم تحریر برای نوشتن همراهم بود، عرض کردم: مولای من! اجازه می‌دهید آنچه را که برایم توضیح و شرح می‌دهید یادداشت کنم؟



ایشان در تصدیق خواسته من گفتند: بله این کار را انجام بده^۱

شک‌های بی‌مورد و غیر خردمندانه، عامل آغاز انحراف بزرگ از حقیقت و کشیده شدن به سمت انکار خدا

حضرت سخن خود را اینگونه ادامه دادند:

انسان‌هایی که (دچار وسواس ذهنی هستند و) زیاد شک می‌کنند (با دست خودشان حقیقت را برای خویش مشتبه نموده و دچار سرگردانی و توقف در درک واقعیات آشکار می‌شوند و در نتیجه چنین افرادی) به اسباب و معانی آفرینش ناآگاه و جاهل‌اند!

۱- قُلْتُ يَا مَوْلَايَ أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَكْتُبَ مَا تَشْرَحُهُ وَكُنْتُ أُعِدُّهُ مَعِيَ مَا أَكْتُبُ فِيهِ فَقَالَ لِي الْفَعْلُ يَا مُفَضَّلُ

جله روز اول، قسمت ۱: چه عاملی سبب انکار وجود خدا و خالق آشکار می شود؟

فهم این افراد (به جهت فرو رفتن در امور درهم برهم) از تأمل در درستی و حکمت آفرینش موجودات - توسط خداوند باشکوه و پاک - قاصر (و ناتوان) است.



همان طور که فهم ایشان (باز به جهت شک بی مورد و زیاد) از درک اینکه خداوند (که فرا ماده است) چگونه گونه های موجودات بیابان، دریا، کوه و دشت را از عدم (و نیستی) آفریده است نیز قاصر (و ناتوان شده) است.

به همین جهت این افراد با علم کوتاه و نارسای خود، به سمت انکار (واقعیت ها) حرکت کردند و به جهت ضعف بصیرتی که به آن مبتلا هستند، به سمت تکذیب قدم برداشتند و به انحراف از راه صحیح میل پیدا نمودند^۱ تا جایی که آفرینش هر چیزی را انکار نمودند و مدعی شدند که موجودات، رها شده و بی خودی به وجود آمده اند و هیچ صنعت و اندازه گیری و حکمتی، توسط هیچ



۱- امام علی، امیرالمؤمنین (ع): هر که تعمق (دقت بیش از اندازه) نماید (این نوع دقت او را) به سمت حق متمایل نخواهد کرد، بلکه جز غرق شدن در امواج خروشان، چیزی بر خود اضافه نمی کند؛ فتنه از چنین کسی دور نخواهد شد مگر اینکه فتنه دیگری گریبان گیرش شود و پرده دینش دریده شود و سپس در کار درهم و برهم فرو رود. قال امیرالمؤمنین (ع): فَمَنْ تَعَمَّقَ لَمْ يَنْبُ إِلَى الْحَقِّ وَلَمْ يَزِدْ إِلَّا غَرَقًا فِي الْعَمَرَاتِ وَلَمْ تَحْسِرْ عَنْهُ فِتْنَةٌ إِلَّا غَشِيَتْهُ أُخْرَى وَ انْغَرَقَ دِينُهُ فَهُوَ يَهْوِي فِي أَمْرِ مَرِيحٍ
المنايع: الغارات (ط - القدمة)، ج ۱، ص: ۸۶ همچنین: الکافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۳۹۲

مدیر مدبری نسبت به موجودات صورت نپذیرفته است و سازنده‌ای در کار نیست.^۱

(وقتی سخن امام به اینجا رسید، فرمودند:) خداوند از آنچه آن‌ها (بر اساس حدس و گمان‌های بی‌اساس) توصیف می‌کنند برتر است.

(و سپس امام این آیه را در سرزنش چنین افرادی که عمداً به سمت باطل میل پیدا می‌کنند و با حقیقت‌های سرنوشت ساز دشمنی می‌نمایند را تلاوت نمودند که:) خداوند آنان را بکشد، چگونه از حقیقت آشکار منحرف می‌شوند (و به سمت باطل و سراب می‌دوند)؟!^۲

مثال این‌گونه افراد در گمراهی و حرکت به سمت هلاکت و همچنین در گردنکشی‌شان، مثال افراد نابینایی است که وارد خانه‌ای می‌شوند که در نهایت استحکام و زیبایی ساخته شده است.



۱- إِنَّ الشَّكَّاءَ جَهِلُوا الْأَسْبَابَ وَالْمَعَانِي فِي الْخَلْقَةِ وَ قَصُرَتْ أَفْهَامُهُمْ عَنْ تَأَمُّلِ الصُّوَابِ وَ الْحِكْمَةِ فِيمَا دَرَا الْبَارِي جَلَّ فَدُسُّهُ وَ بَرَأَ ۖ مِنْ صُنُوفٍ خَلَقَهُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ السَّهْلِ وَ الْوَعْرِ فَخَرَجُوا بِقَصْرِ عُلُومِهِمْ إِلَى الْجُحُودِ وَ يَضَعُفِ بَصَائِرُهُمْ إِلَى التَّكْذِيبِ وَ الْعِنُودِ حَتَّى انْكَرُوا خَلْقَ الْأَشْيَاءِ وَ ادَّعَوْا أَنَّ تَكْوِينَهَا بِالْإِهْمَالِ لَا صُنْعَةَ فِيهَا وَ لَا تَقْدِيرَ وَ لَا حِكْمَةَ مِنْ مُدَبِّرٍ وَ لَا صَانِعٍ

۲- تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُصِفُونَ وَ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَتَى يُؤَفِّكُونَ*

جله روز اول، قسمت ۱: چه عاملی سبب انکار وجود خدا و خالق آسمان می شود؟

در آنجا بهترین و فاخرترین فرش‌ها را پهن نموده‌اند، همه نوع خوردنی، نوشیدنی، لباس و هر چیزی که به آن احتیاج پیدا کنند و از آن بی‌نیاز نیستند، برایشان فراهم شده است.



همه این چیزهایی را که شمردم به اندازه درست و باتدبیر خردمندانه در همان جایی که باید باشند، گذاشته‌اند؛ اما این افراد نابینا، (بی‌هدف) به سمت راست و چپ می‌روند و دور اتاق‌های خانه می‌چرخند و گاهی به آن‌ها رو می‌آورند و نزدیک می‌شوند و گاهی پشت می‌کنند و دور می‌شوند، درحالی‌که چشمانشان (به علت نابینایی) از دیدن (این همه شکوه و دقت به کار رفته) بسته شده است و به همین جهت بنای (مستحکم) سرایی که در آن گردش می‌کنند و چیزهایی که (با دقت) برایشان آماده شده است را (اصلاً) نمی‌بینند (و از آن‌ها غافلند)!

زیاد پیش می‌آید که پای بعضی از آن‌ها به چیزی که در جای خودش قرار دارد از جمله وسیله‌ای که برای رفع احتیاج خود وی آماده شده است برخورد می‌کند، اما او نسبت به معنی و مقصود آن چیز، جاهل و بی‌اطلاع است و (اصلاً) نمی‌داند که چرا آن وسیله برای او مهیا شده (و چه نیاز مهمی را از او برطرف می‌کند) و چرا در آنجا قرار گرفته است؛ به همین جهت باحالت افسوس (از عدم رفع نیازهایش) و با خشم شدید، به سرزنش (خود) ساختمان و کسی که آن را بنا کرده و ساخته است می‌پردازد.^۱

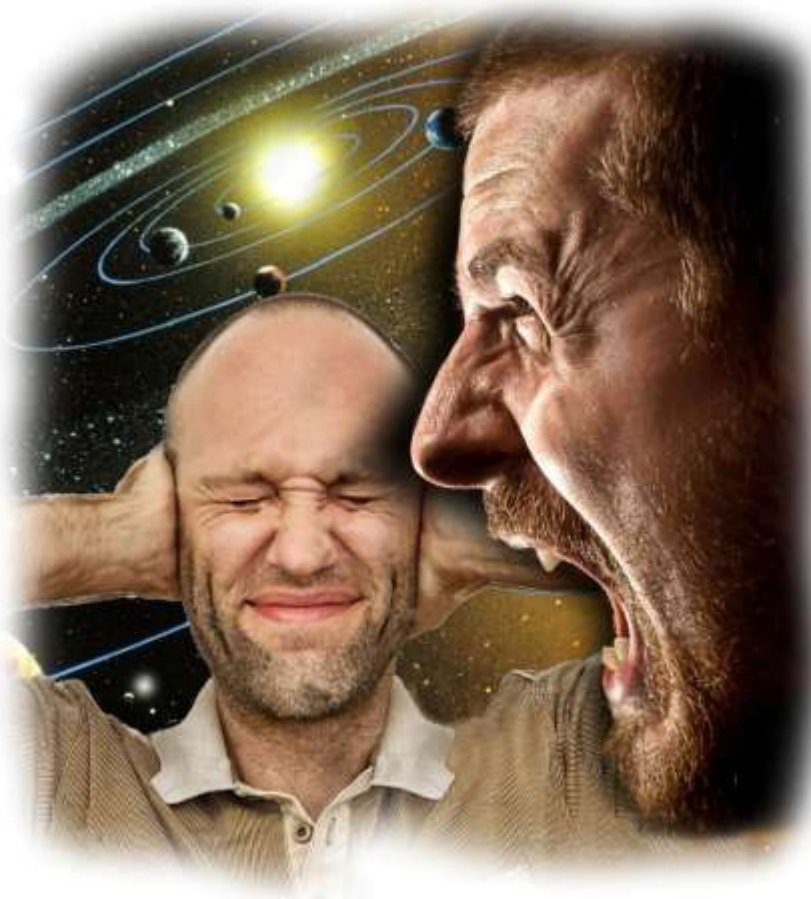


این (مثالی روشن و ساده برای درک) حال این‌گونه افراد است که چگونه آفرینش موجودات و ثبات و اندازه‌گیری دقیقی که در ساختن آن‌ها به کاررفته است را انکار می‌کنند!

۱- فَهُمْ فِي ضَلَالِهِمْ وَ غَيَّبَهُمْ وَ تَجَرَّبَهُمْ مَنَزِلَةَ عَمِيَانِ دَخَ لَمَّا دَارَا قَدْ بَنَيْتَ أَتَقَنَّ بِنَاءَ وَ أَحْسَنَهُ وَ فَرِشْتَ بِأَحْسَنِ الْفُرُشِ وَ أَفْخَرَهُ وَ أَعَدَّ فِيهَا ضُرُوبَ الْأَطْعَمَةِ وَ الْأَشْرَبَةِ وَ الْمَلَابِسِ وَ الْمَارِبِ الَّتِي يُحْتَاجُ إِلَيْهَا وَ لَا يُسْتَغْنَى عَنْهَا وَ وَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ مَوْضِعَهُ عَلَى صَوَابٍ مِنَ التَّقْدِيرِ وَ حِكْمَةٍ مِنَ التَّنْذِيرِ فَجَعَلُوا يَتَرَدَّدُونَ فِيهَا يَمِينًا وَ شِمَالًا وَ يَطُوفُونَ بِبُيُوتِهَا إِذْبَارًا وَ إِثْبَارًا مَحْجُوبَةً أَبْصَارَهُمْ عَنْهَا لَا يُبْصِرُونَ بُنْيَةَ الدَّارِ وَ مَا أَعَدَّ فِيهَا وَ رُجْمًا عَنَرِ يَعْصُهُمْ بِالشَّيْءِ الَّذِي قَدْ وَضَعَ مَوْضِعَهُ وَ أَعَدَّ لِلْحَاجَةِ إِلَيْهِ وَ هُوَ جَاهِلٌ لِمَعْنَى فِيهِ وَ لِمَا أَعَدَّ وَ لِمَا دَا جَعَلَ كَذَلِكَ فَتَذَمَّرَ وَ تَسَخَّطَ وَ دَمَّ الدَّارَ وَ بَانِيَهَا

جله روز اول، قسمت ۱: چه عاملی سبب انکار وجود خدا و خالق آسمان می شود؟

چون ذهن (و اندیشه) این اشخاص (که دچار وسواس فکری و دقت بیش از اندازه معقول شده‌اند)، از شناخت اسباب و دلیلی که در (آفرینش) موجودات وجود دارد دور شده است، تبدیل به افرادی شدند که در این عالم سرگردان و حیران‌اند؛ به همین جهت چیزی از استواری که در آفرینش موجودات مشاهده می‌شود نمی‌فهمند و از اینکه موجودات به بهترین شکل ممکن ساخته شده‌اند و همچنین از درستی آنچه پروردگار مهیا نموده است نیز درک درستی ندارند.



(مانند مثال نابینا که پایش به چیزی می‌خورد و بی‌جهت عصبانی می‌شد) این‌ها نیز چون از وجود چیزی مطلع می‌شوند اما از حکمت آفرینش آن و نیازی را که برطرف می‌کنند خبر ندارند، به سرعت و (با قضاوت‌های) عجولانه، شروع به مذمت و سرزنش آن می‌کنند و تا جایی پیش می‌روند که (علیرغم فهم قاصر و علم محدود خود) مدعی می‌شوند که قرار داده شدن آن چیز در جایی که هست خطاست و ناشی از ضعف و کمی تدبیر است!

حال کافران و پیروان آنها -مانند منانیه^۱- و ملحدان بدکار که از دین خدا خارج شده‌اند و سایر افراد شبیه به ایشان که با سخنان محال و خلاف واقع، خود را (فریب داده و) سرگرم نمودند. [و از اطاعت پروردگارشان سرباز زدند] نیز مانند همین افراد است (که برای تو صیاف نمودم).^۲

خصوصیات خدا باوران و تفاوت آنها با منکران خدا و شکاکان و لزوم شکر این نعمت بزرگ

(اما برعکس این افراد سطحی‌نگر که گرفتار وسواس و شک‌های غیر خردمندانه و بی‌مورد هستند) کسی است که خداوند نعمت شناخت خودش را (با به کار انداختن عقل) به وی ارزانی داشته و او را به سمت دین خود (که برنامه جامع و اطمینان‌بخش زندگیست) هدایت نموده است؛ همچنین او را موفق نموده که در تدبیر به‌کاررفته در ساختار (هوشمندانه) مخلوقات تأمل نماید و بر این حقیقت واقف و مطلع شود که خداوند نسبت به آنچه آفریده به چه میزان تدبیر لطیف و باریک به‌کاربرده است و مخلوقات خویش را به طرز صحیحی اندازه‌گیری و تقدیر نموده است به‌طوری‌که این فرد با دیدن هر موجودی، با دلیل و برهان قاطع و بدون (باقی ماندن) ذره‌ای تردید، به وجود سازنده آن مخلوقات پی برده است.

پس شایسته و لازم است چنین کسی از سرپرست و خدای خود به خاطر این نعمت بسیار بزرگ (که خدا نا باوران با مشغول نمودن خود به شک‌های غیرعقلانه، خود را از آن محروم کرده‌اند) بسیار تشکر نماید و به خداوند رغبت و میل کند و از وی بخواهد که او را بر این هدیه بزرگ ثابت‌قدم بدارد، بلکه بر آن اضافه نماید.

۱- مراد پیروان مانی نقاش هستند، مرحوم مجلسی در ترجمه کتاب توحید مفضل می‌نویسد: مترجم گوید: که «مانی ملعون در زمان شاپور بن اردشیر به هم رسید و دینی احداث کرد میان مذاهب گبران و ترسایان که نه این بود و نه آن و به پیغمبری حضرت مسیح علیه السلام قائل نبود و به نبوت [حضرت] موسی علیه السلام قائل نبود و می‌گفت: عالم مرکب است از دو اصل قدیم یکی نور و دیگری ظلمت و هر خیر و خوبی که در عالم هست از نور می‌دانست و هر شر و بدی را به ظلمت نسبت می‌داد و می‌گفت درندگان و موذیات و عقارب و حیات را ظلمت آفریده، به سبب آن که حکمت خلق را نمی‌دانست و گمان می‌کرد که خلق اینها عبث است و در اینها منفعتی نیست و حکیم نمی‌باید اینها را خلق کند؛ و در کلام معجز نظام امام علیه السلام بطلان این قول ظاهر خواهد شد.»

۲- فَهَذِهِ حَالُ هَذَا الصَّنْفِ فِي إِتْكَارِهِمْ مَا أَتُكْرَهُ مِنْ أَمْرِ الْخَلْقَةِ وَ ثَبَاتِ الصَّنْعَةِ فَإِنَّهُمْ لَمَّا عَزَبَتْ ۲ أَذْهَانَهُمْ عَنْ مَعْرِفَةِ الْأَسْبَابِ وَ الْعِلَلِ فِي الْأَشْيَاءِ صَارُوا يَجُولُونَ فِي هَذَا الْعَالَمِ حَيَارَى فَلَا يَفْهَمُونَ مَا هُوَ عَلَيْهِ مِنْ إِتْقَانِ خَلْقَتِهِ وَ حَسَنِ صَنْعَتِهِ وَ صَوَابِ هَيْئَتِهِ وَ رَهْمًا وَقَفَ بَعْضُهُمْ عَلَى الشَّيْءِ يَجْهَلُ سَبَبَهُ وَ الْإِزْبَ ۳ فِيهِ فَيُسْرِعُ إِلَى ذِمِّهِ وَ وَصَفِهِ بِالْإِحَالَةِ وَ الْخَطْلِ كَأَنَّهُ أَقْدَمَتْ عَلَيْهِ الْمَنَانِيَةُ ۳ الْكَفَرَةَ وَ جَاهَرَتْ بِهِ الْمُلْحِدَةُ الْمَارِقَةُ الْقَجْرَةَ وَ أَشْبَاهَهُمْ مِنْ أَهْلِ الضَّلَالِ الْمُعَلِّينِ أَنْفُسَهُمْ بِالْمَحَالِ

جلسه روز اول، قسمت ۱: چه عاملی سبب انکار وجود خدا و خالق آشکار می شود؟

زیرا خداوندی که اسمش باشکوه است می فرماید:

«اگر (بابت نعمتی که به شما داده‌ام و هم‌اکنون از آن برخوردارید از من) تشکر کنید، (و نشان دهید قدردان هستید، من نیز) بر این نعمتی که دارید اضافه خواهم نمود؛ اما اگر ناسپاسی (و حق‌پوشی) کنید (و نعمت‌هایی که به شما داده‌ام را با تردیدهای بی‌مورد) نادیده بگیرید، قطعاً (مجازات و) عذابم سخت و شدید خواهد بود.»^۱



۱- فَيَحِقُّ عَلَى مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَعْرِفَتُهُ وَ هَذَا لَدَيْهِ وَ وَفَّقَهُ لِتَأَمُّلِ التَّنْذِيرِ فِي صَنَعَةِ الْخَلَائِقِ وَ الْوُقُوفِ عَلَى مَا خُلِّقُوا لَهُ مِنْ لَطِيفِ التَّنْذِيرِ وَ صَوَابِ التَّقْدِيرِ بِالذِّلَالَةِ الْقَائِمَةِ الدَّالَّةِ عَلَى صَانِعِهَا أَنْ يَكْثُرَ حَمْدُ اللَّهِ مَوْلَاهُ عَلَى ذَلِكَ وَ يَرْغَبَ إِلَيْهِ فِي الثَّبَاتِ عَلَيْهِ وَ الزِّيَادَةِ مِنْهُ فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ- لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (ابراهيم، ۷)

جلسه روز اول، قسمت ۲

نخستین دلیل بر اثبات وجود خالق برای جهان و اینکه او یگانه است.^۱

نخستین آگاهی و عبرت و دلیل بر وجود سازنده - باشکوه و پاک - برای این جهان: صورت‌بندی و شکل‌دهی موجودات و جمع‌آوری جزء به جزء پدیده‌ها در کنار هم و نظم و آراستگی آن‌ها به ترتیبی شایسته است.^۲

به همین دلیل اگر فکرت را با تأمل در این عالم به کاراندازی و عقل خودت را در مورد آن فعال نمایی و حقایق را (که با حواس ۵ گانه مشاهده می‌کنی) به عقلت عرضه کنی، بی‌تردید دنیا را همچون خانه‌ای خواهی یافت که تمام نیازهای بندگان خدا در آن آماده و جمع‌آوری شده است.^۳

آسمان، همانند سقف، بلند قرار داده شده است.



۱- تهیة العالم و تألیف أجزائه

۲- يَا مُقْضِلُ أَوَّلِ الْعَرَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى الْبَارِي جَلَّ فَدُسُّهُ تَهْيِئَةُ هَذَا الْعَالَمِ وَ تَأْلِيفُ أَجْزَائِهِ وَ تَطْمِئِنُّ عَلَى مَا هِيَ عَلَيْهِ

۳- فَإِنَّكَ إِذَا تَأَمَّلْتَ الْعَالَمَ يَفْكَرُكَ وَ خَبَرْتَهُ يَعْظِلُكَ وَ جَدَّته كَالْبَيْتِ الْمُبْنِيِّ الْمُعَدِّ فِيهِ جَمِيعُ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ عِبَادُهُ

جله روز اول، قسمت ۲: نخستین دلیل بر اثبات وجود خالق برای جهان و اینکه او یگانه است.

زمین (علیرغم گردی) شبیه فرش (زیر پای) موجودات، گسترده شده است.



ستارگان چون چراغ‌هایی منظم (که هر کدام در مداری تعیین شده گردش می‌کنند) چیده

شده‌اند.



جواهرات (و معدن‌ها) مانند ثروتی که ذخیره شده است در دل زمین پنهان شده‌اند.



و (خلاصه اینکه) هر چیزی آن‌طور که شایسته است، در جای مناسب خود چیده شده و برای مصلحت (و دلیل خردمندانه‌ای) مهیا و آماده گردیده است.^۱



١- فَالسَّمَاءُ مَرْفُوعَةٌ كَالسَّفْفِ وَ الْأَرْضُ مَمْدُودَةٌ كَالْبَسَاطِ وَ النُّجُومُ مُضِيئَةٌ كَالْمَصَابِيحِ وَ الْجَوَاهِرُ مَخْرُوجَةٌ كَالذَّخَائِرِ وَ كُلُّ شَيْءٍ فِيهَا لِسَانُهُ مَعْدٌ

جله روز اول، قسمت ۲: نخستین دلیل بر اثبات وجود خالق برای جهان و اینکه او یگانه است.

انسان نیز مانند کسی است که صاحب اختیار تمام چیزهایی است که در دنیا وجود دارد و همه را به او بخشیده‌اند: انواع گوناگونی از گیاه که برای رفع نیازهای او آماده شده است.



انواع مختلف حیوانات که استفاده از آن‌ها به مصلحت اوست و برایش سودمند است.^۱



۱- و الْإِنْسَانُ كَأَمَلِكِ ذَلِكَ الْبَيْتِ وَ الْمُخَوَّلِ جَمِيعَ مَا فِيهِ وَ ضُرُوبُ النَّبَاتِ مُهَيَّأَةٌ لِمَا رِبِهِ وَ صُنُوفُ الْحَيَوَانَ مَصْرُوفَةٌ فِي مَصَالِحِهِ وَ مَنَافِعِهِ

در تمام این موجودات این حقیقت واضح پیداست که این جهان با اندازه‌گیری دقیقی آفریده شده است و در ساخت آن‌ها، فرزانی (و هوشمندی) و نظام‌مندی و مصلحت (و هدفمندی) هویداست.

این واقعیات که با حواس ۵ گانه نیز قابل مشاهده‌اند) نشان می‌دهد که آفریننده همه موجودات یکی است.

اوست که میان موجودات پیوند و گره زده و به آن‌ها شکل بخشیده است و قوانین هماهنگ و نظام‌مند بین برخی از اجزاء جهان با برخی دیگر را پدیده آورده است که به یکدیگر وابسته و محتاج‌اند، (از باب نمونه، چرخه به وجود آمدن ابر با تبخیر آب توسط حرارت خورشید و تشکیل ابر تا بارش باران که در نهایت منجر به رفع تشنگی موجودات زنده برای ادامه حیات می‌شود).^۱

۱- فِی هَذَا دَلَالَةٌ وَاضِحَةٌ عَلَى أَنَّ الْعَالَمَ مَخْلُوقٌ بِتَقْدِيرٍ وَحِكْمَةٍ وَنِظَامٍ وَمُلَاهِمَةٍ وَأَنَّ الْخَالِقَ لَهُ وَاحِدٌ وَهُوَ الَّذِي أَلْقَاهُ وَنَظَّمَهُ بَعْضًا إِلَى بَعْضٍ

جله روز اول، قسمت ۲: نخستین دلیل بر اثبات وجود خالق برای جهان و اینکه او یگانه است.



حقیقتاً (با دیدن این همه دقت و ظرافت در آفرینش، شایسته است هر انسان منصف و آزاده‌ای زبان به ستایش آفریننده این موجودات باز کند و بگوید): چقدر باشکوه و پاک است خداوند یگانه و چقدر والا و بند است جایگاه پروردگاری چنین با عظمت و بزرگ و چقدر ذاتِ خداوند بخشنده و عزیز است؛ حقیقتاً هیچ موجودی که شایسته پرسش باشد غیر از او وجود ندارد.



(با این توضیحات روشن است که) خداوند بسیار والاتر است از آنچه منکران نسبت به او می‌گویند، در حالی که علم و آگاهی به حقیقت دارند و می‌دانند انکارشان بر پایه حدس و گمان‌های نادرست و غیرقابل اعتماد بنا شده است.

جله روز اول، قسمت ۲: نخستین دلیل بر اثبات وجود خالق برای جهان و اینکه او یگانه است.

خداوند باشکوه و بزرگ تر است از آنچه که ملحدان^۱ (کسانی که از مسیر خردمندانه خارج شده اند) به او نسبت می دهند.^۲

خداوند باشکوه و بزرگ تر است از آنچه که ملحدان به او نسبت می دهند.



۱- نگاهی به لغت نامه های گوناگون: ملحد به کسی می گویند که از حقیقت آگاه است اما از سر هوس و با تکیه بر حدس و گمان های بی اساس، خودش را گرفتار شک های غیر خردمندانه نسبت به اصل وجود خداوند می کند و به جای استقامت در مسیر اعتدال و خردمندانه، از آن منحرف می شود و در نهایت کارش به بدگویی، هتک حرمت و بی دینی کشیده می شود و عمداً به حق پوشی و کفر که زشت ترین کارها در بین همه انسان های آزاده دنیاست، آن هم نسبت به کسی که او و جهان هستی را پدید آورده است روی می آورد و در نتیجه با پای گذاشتن عمدی بر روی وجدان خویش، زندگی دنیا و آخرتش را به تلخی و رنج بی پایان می کشاند.

۲- جَلَّ فَدْسُهُ وَ تَعَالَى جَدُّهُ وَ كَرَّمَ وَجْهُهُ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ تَعَالَى عَمَّا يَقُولُ الْجَاهِلُونَ وَ جَلَّ وَ عَظَّمَ عَمَّا يَنْتَحِلُهُ الْمُلْحَدُونَ

مخاطبین گرامی!

قسمت‌های دیگر این کتاب بعد از ترجمه و مصوّر سازی، به تدریج در کانال اثبات خدا، دین و مذهب خردمندان، پیام‌رسان ایتا بارگذاری خواهد شد: 📌

eitaa.com/esbatekhodavand

بلافاصله می‌توانید در نشانی زیر نسخه پی‌دی‌اف تمامی قسمت‌های بارگذاری شده را دریافت نمایید: 📌

esbatekhodavand.blogspot.com/1303

این روند تا تکمیل کتاب ادامه خواهد داشت.

فهرست مطالبی که تا امروز منتشر شده است

مقدمه	۳
ماجرایی که باعث شد امام صادق (ع) چهار جلسه آموزشی در موضوع «اثبات وجود خدا» برگزار نماید	۳
جلسه روز اول، قسمت ۱	۱۲
چه عاملی سبب انکار وجود خدا و حقایق بدیهی می‌شود؟	۱۲
شناخت خداوندی که فراماده است در یک عبارت کوتاه	۱۳
تأکید امام در اینکه تعالیم ایشان همه از جانب آفریدگار جهان است	۱۴
شک‌های بی‌مورد و غیرخردمندانه، عامل آغاز انحراف بزرگ از حقیقت و کشیده شدن به سمت انکار خدا	۱۵
خصوصیات خداپاوران و تفاوت آنها با منکران خدا و شکاکان و لزوم شکر این نعمت بزرگ	۲۱
جلسه روز اول، قسمت ۲	۲۳
نخستین دلیل بر اثبات وجود خالق برای جهان و اینکه او یگانه است	۲۳

سایر کتب رایگان و فیلم‌های تولیدشده:

 کتاب تصویری علم و اندیشه

این کتاب شامل صدها دلیل در اثبات خدا، حقیقت قرآن و اسلام از بیان قرآن، دانشمندان و مراکز علمی جهان با ذکر منبع است. (در حال تکمیل)

می‌توانید نام این کتاب را جستجو و رایگان دریافت نمایید یا به نشانی زیر مراجعه کنید: 

<https://esbatekhodavand.blog.ir/post/5>

 کتاب تصویری توحید مفضل

همین کتاب که شامل دلایل حسی و عقلی در اثبات وجود خداست. (در حال تکمیل)

می‌توانید نام این کتاب را جستجو و رایگان دریافت نمایید یا به نشانی زیر مراجعه کنید: 

<https://esbatekhodavand.blog.ir/post/6>

 مجموعه فیلم مصاحبه با ره‌یافتگان

ره‌یافتگان مجموعه مصاحبه‌هایی است که شمارا در جریان تحول افراد خدا ناباور، ندانم‌گرا و دیگر اقشار مردم می‌گذارد: 

<https://esbatekhodavand.blog.ir/post/11>

 مجموعه صدها فیلم با عنوان ۱۴ ثانیه با خدا

تمرین بهتر دیدن موجودات؛ این مجموعه فیلم یکی از تمرینات همین کتاب است: 

<https://esbatekhodavand.blog.ir/post/7>

* اگر می‌خواهید سایر تولیدات نگارنده در قالب کتاب، فیلم، استیکر و غیره در موضوع شناخت خدا، دین و مذهب را رایگان دریافت نمایید به نشانی زیر مراجعه نمایید:

<https://esbatekhodavand.blog.ir/post/1>